

بررسی فقهی تربیت اقتصادی*

□ حسین کارآمد**

□ عبدالله انصاری***

چکیده

تربیت اقتصادی یکی از مسائل مهم آموزش و پرورش به شمار می‌رود و برای سلامت اقتصاد ملی هر جامعه‌ای حیاتی است. تربیت اقتصادی مبتنی بر مبانی فقهی، می‌تواند به رشد و سالم‌سازی اقتصادی یاری رسانده و گسترش عدالت اجتماعی و برخورداری عموم مردم از رفاه اقتصادی را در پی داشته باشد. بر این اساس، این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و به منظور بررسی فقهی تربیت اقتصادی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با تکیه بر مبانی فقهی می‌توان نوعی از تربیت اقتصادی ارائه داد که بایدها و نبایدهای رفتار اقتصادی مطابق با دیدگاه اسلام را تعیین نماید. در منابع اسلامی، سه مؤلفه مهم اقتصادی شامل تولید، توزیع و مصرف مورد توجه قرار گرفته است که محور اصلی اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهد. بر اساس این سه مؤلفه می‌توان از تربیت اقتصادی مطابق با دیدگاه اسلام سخن گفت و با توجه به منابع فقهی و آثار تربیتی اقدامات لازم را به عمل آورد. تربیت اقتصادی مطابق با مبانی فقهی اسلام از ویژگی‌های متمایزی برخوردار است. در اسلام تولید و معامله هر نوع کالا و خدماتی مجاز نیست. در منابع فقهی به تلاش جهت کسب حلال و پرهیز از معامله و کسب حرام تأکید فراوان شده است. به‌طورکلی، کالاها و خدمات در عرصه تولید، توزیع و مصرف به دو دسته مجاز و غیرمجاز تقسیم می‌شوند که باید در تربیت اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: فقه، تربیت، تربیت اقتصادی، فقه تربیت اقتصادی.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۵/۲۳؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۱/۵.

** گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه‌المصطفی العالمية، قم، ایران (نویسنده مسئول):
(hosseinkara49@gmail.com).

*** گروه قرآن و علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه‌المصطفی العالمية: (ansari1590@gmail.com).

بیان مسئله

امروزه تربیت اقتصادی به عنوان یکی از ساحت‌های گوناگون تربیت، یکی از مسائل مهم آموزش و پرورش کشورها به شمار می‌رود و برای سلامت اقتصاد ملی هر جامعه‌ای حیاتی می‌باشد. رشد اقتصادی همراه با سالم‌سازی و برخورد با فساد اقتصادی و نیز گسترش عدالت اجتماعی و برخورداری عموم مردم از رفاه اقتصادی، از دغدغه‌های مهم جوامع در عصر کنونی است. آموزش و پرورش در این جوامع می‌کوشد تا در جهت دستیابی به این اهداف مهم، به بهترین شکل ممکن، دست به تربیت اقتصادی فراگیران بزند. در این راستا، در منابع فقهی نیز می‌توان مواردی را یافت که در جهت تحقق این اهداف مؤثر می‌باشد. در واقع، مسئله اصلی پژوهش این است که تربیت اقتصادی از لحاظ فقهی چگونه است و فقه‌ها چگونه با این موضوع برخورد می‌کنند. در نتیجه، این پژوهش به دنبال آن است تا تربیت اقتصادی را از حیث فقهی بررسی نماید که در اینجا به اختصار توضیح داده می‌شود.

مراد از تربیت اقتصادی، برنامه‌ها و اقداماتی است که بیش‌تر کشورها به‌ویژه کشورهای پیشرفته برای فرهنگ‌سازی در حوزه اقتصاد به اجرا درمی‌آورند. بررسی و مطالعه تربیت اقتصادی در نظام آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان به‌ویژه در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی منسجم و اقدامات نظام‌مندی برای این عرصه در مقاطع سنی گوناگون از کودکی تا بزرگسالی وجود دارد. هدف اساسی از این نوع آموزش‌ها آشنا ساختن متربی با مفاهیم اقتصادی، کسب مهارت تفکر اقتصادی و بهره‌مندی از یک منطق فکری است تا او بتواند به تحلیل شرایط مختلف اقتصادی بپردازد و در تصمیم‌گیری‌ها بهترین‌ها را برگزیند (طغیانی و زاهدی‌وفا، ۱۳۹۸: ۶۲). در این راستا، همه تلاش‌های آموزشی به منظور آماده ساختن یادگیرندگانی با دانش، توانایی، مهارت، انگیزه و نگرش‌هایی است که آنان را به سازمان‌دهی و مقابله با موقعیت‌های زندگی آینده در شرایط مختلف اقتصادی در ابعاد سیاسی، قانونی، فنی و اخلاقی در سطوح اقتصادی خصوصی و جهانی قادر می‌سازد (Kaminski, 1996: 6). بر اساس مبانی فقهی، تربیت اقتصادی عبارت است از ایجاد آمادگی‌های لازم در متربی

به نحوی که ضمن شناختن استعداد اقتصادی خود بتواند آن را به بهترین وجه شکوفا سازد و با اتخاذ میانه‌روی، از منابع موجود به نحو ممکن بهره‌برداری نماید و در راه تولید، توزیع و مصرف، شریعت الهی را در نظر داشته باشد و همه این فعالیت‌ها را در جهت قرب به خدا و کسب رضای او به انجام رساند (ایمانی، ۱۳۹۱: ۱۶). تربیت اقتصادی مطابق با مبانی فقهی اسلام از ویژگی‌های متمایزی برخوردار است. در اسلام تولید و معامله هر نوع کالا و خدماتی مجاز نیست و اگر کسب درآمد طبق اصول و قواعد تعریف شده فقهی نباشد، کالا و خدمات به دست آمده از آن تولیدکننده و معامله‌گر نخواهد بود. از این رو، در منابع فقهی به تلاش جهت کسب حلال و پرهیز از معامله و کسب حرام تأکید فراوان شده است.^۱ می‌توان گفت که تربیت اقتصادی تمام فعالیت‌های آموزشی متناسب با سطح دانش، مهارت و نگرش متربی به منظور ایجاد توانمندی‌های لازم در عرصه اقتصادی است. با برخورداری از چنین توانمندی‌ها و نیز با بهره‌برداری از منابع موجود، می‌توان در چارچوب شریعت الهی برگرفته از فقه اهل بیت علیهم‌السلام دست به تولید زد و به بهترین وجه ممکن درآمدی مشروع به دست آورد؛ همچنین به توزیع ثروت میان همه افراد جامعه پرداخت؛ میانه‌روی در مصرف را در پیش گرفت و سرانجام، به کمال و سعادت مطلوب نائل آمد.

بر این اساس، این پژوهش درصدد است تا با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی تربیت اقتصادی را از نظر فقهی مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه

مطالعه پیشینه پژوهش نشان می‌دهد، به جز مواردی که در آن تربیت اقتصادی به طور کلی (ایمانی، ۱۳۹۱: ۱۵) و یا تربیت اقتصادی در اسلام (جدیری، ۱۳۷۸؛ حیدری، ۱۳۸۹) و تربیت اقتصادی در نهج البلاغه (طهماسبی سروستانی، ۱۳۷۹) و یا مؤلفه‌های تربیت اقتصادی از نظر اسلام (موسی‌زاده و صنعتی، ۱۳۹۶: ۷۳) و نیز وظایف والدین در تربیت اقتصادی فرزندان (علوی، ۱۴۰۱) مورد بحث قرار گرفته است، اثر دیگری یافت نشده است که در آن تربیت اقتصادی از

جهت فقهی مورد بررسی قرار گرفته باشد. در نتیجه، با توجه به پژوهش‌های یادشده و با نگاهی متفاوت و متمایز از آن‌ها، در این پژوهش پژوهشگران می‌کوشند تا پس از بحث از مفهوم‌شناسی، تربیت اقتصادی را از منظر فقهی بررسی کنند و آن را از سه بعد اقتصادی تولید، توزیع و مصرف تبیین نمایند.

مفهوم‌شناسی

اقتصاد

«اقتصاد» از ریشه «ق ص د» به معنای میانه‌روی، به اندازه خرج کردن، تعادل دخل و خرج را نگاه‌داشتن (عمید، ۱۳۹۰: ماده اقتصاد) است. در اصطلاح، اقتصاد عبارت است از علم تخصیص بهینه منابع کمیاب برای تأمین نیازهای نامحدود بشر (دادگر و رحمانی، ۱۳۸۶: ۳۸)؛ به عبارت دیگر، اقتصاد عبارت است از شناخت، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی که بشر برای تولید و توزیع کالاها و خدمات از منابع محدود به منظور مصرف به کار می‌برد (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۴: ۲۵). همان‌گونه که در بیان مسئله گفته شد، تربیت اقتصادی همه تلاش‌های آموزشی به منظور آماده ساختن یادگیرندگانی با دانش، توانایی، مهارت، انگیزه و نگرش‌هایی است که آنان را به سازمان‌دهی و مقابله با موقعیت‌های زندگی آینده در شرایط مختلف اقتصادی در ابعاد گوناگون سیاسی، قانونی، فنی و اخلاقی در سطوح اقتصادی خصوصی و جهانی قادر می‌سازد (Kaminski, 1996: 6).

تربیت اقتصادی در عرصه تولید

از نظر فقهی، منابع طبیعی تولید که دولت اسلامی با هدف بهره‌برداری در اختیار افراد قرار داده است، نباید بدون عذر موجه معطل بماند. این مسئله به شکل‌های گوناگون همچون احیای موات، مدیریت منابع آبی، تخصیص منابع و تجهیز آن، به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته‌اند (انصاری، ۱۴۱۷: ۴؛ ۱۷: ۱۴۱۳ ق: ۲۰۱ و صدر، ۱۴۰۸ ق: ۴۷۱). امام خمینی علیه السلام می‌فرماید که «عامل تحجیر موظف است به احیای زمین پردازد و حق ندارد زمین موات تحجیر شده را معطل

بگذارد و آن را رها کند و حاکم اسلامی او را به احیا یا رفع ید از آن ملزم خواهد کرد تا زمینه برای احیای دیگران فراهم آید» (امام خمینی، ۱۴۰۸: ۲: ۲۰۷).

کار و تولید در اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است. منابع اسلامی زندگی انسان را درگرو تلاش و کوششی می‌داند که هر فرد برای دستیابی به آن انجام می‌دهد: **كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيئَةً** (مدثر: ۳۸) **وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى** (نجم: ۳۹)، همان‌گونه که پیشوایان دین ما برای ارائه الگو به دیگران، سخت و طاقت‌فرسا کار می‌کردند (مکارم، ۱۳۷۴، ۹: ۲۱). اسلام در صدد تربیت انسانی است که با توکل به خداوند بتواند حداکثر توانایی «مادی، معنوی و تخصصی» خود را برای تأمین منافع به کار برده و در جهت ارتقای رفاه خود و جامعه تلاش نماید. از این رو، مربیان و اندیشمندان مسلمان به تاسی از آموزه‌های اسلامی به تربیت شغلی و آموزش آن در دوره کودکی اهتمام ورزیده‌اند و سفارش می‌کنند کودکان را به آموزش آنچه فراخور استعداد آنان است واداشته و هرگاه در کودکی گرایش به صنعت و حرفه‌ای مباح و مفید احساس شود، با توجه به توانایی و استعداد وی، او را برای آن کار تربیت و مهیا کنند (ابن‌القیم الجوزیه، ۱۴۰۹ ق: ۱۹۷).

با توجه به این‌که منابع تولید محدود و نیازها و خواسته‌های بشر نامحدودند، بهره‌گیری بهینه از منابع و امکانات در تولید و اشتغال‌زایی می‌تواند بسیاری از مشکلات فراروی جامعه را حل نماید (نجفی، ۱۳۶۷، ۳۶: ۲۲۸ و نراقی، ۱۴۱۵: ۱۵: ۳۷۲). در منابع اسلامی راه‌کارهای مؤثری در این خصوص ارائه گردیده است (حسینی، ۱۳۹۴: ۳۸۱-۳۸۹). آب و خاک به‌عنوان منابع طبیعی، نماد تولید است که بهره‌گیری از آن برای ایجاد اشتغال و فقرزدایی تأکید شده‌اند:

«مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تُرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ»؛ از رحمت خدا به دور باد کسی که آب

و خاکی بیابد، ولی فقیر بماند (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵: ۱: ۶۱).

«وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا» (نوح: ۱۹). «وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً نَبَّاجًا لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَ نَبَاتًا وَ جَنَّاتٍ أَلْفَافًا» (نبأ: آیات ۱۴-۱۵)؛ «و مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ»

(انبیاء: ۳۰) که آبادانی و سرسبزی و نیز حمل و نقل دریایی از عوامل رونق اقتصادی و تولید است که در قرآن و منابع اسلامی به خوبی به آنها اشاره شده است.

همان گونه که گفته شد، در منابع فقهی، کسب و کارها به شکل های گوناگون مورد توجه قرار گرفته است که در اینجا کشاورزی، تجارت و صنعت بیان می گردد. از قواعد فقهی عامی چون قاعده «تعاون» و «احسان» می توان مهارت آموزی در این گونه موارد را به دست آورد. قاعده تعاون مبتنی بر آیه «تعاونوا علی البر و التقوی» (مائده: ۲) است که وظایف اجتماعی افراد در قبال هموعان را بیان می کند و از آنان می خواهد به شکل های گوناگون به یاری هم بشتابند. تعاون و یاری دیگران رجحان عام دارد که یکی از آنها مهارت آموزی است. قاعده احسان نیز انسان ها را به احسان و نیکی سفارش می کند. این قاعده نیز مبتنی بر آیاتی چون «وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره: ۱۹۵) و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) است که انسان ها را به احسان و نیکی سفارش می کنند. احسان، اطلاق و مصادیق مختلف دارد که مهارت آموزی یکی از آنها می باشد. در نتیجه با فراگیری مهارت کشاورزی، تجارت و صنعت می توان گام های مهمی در این راه برداشت. افزون بر این، قواعد فقهی عامی مانند قاعده «لاضرر» و «نفی سبیل» نیز می تواند در این زمینه مورد توجه قرار گیرد. بر اساس قاعده لاضرر نمی توان دست به تولید اموری زد که برای مردم مضر است و به آنان ضرر می رساند. این قاعده در عرصه اقتصاد چه در کار و تولید و چه در عرصه تجارت کاربرد گسترده ای دارد و ریشه در آیات متعددی دارد که یکی از آنها «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ» (بقره: ۲۳۳) می باشد. قاعده نفی سبیل نیز هر نوع سلطه کافر بر مسلمانان را ممنوع می کند. بر اساس این قاعده که از آیه ۱۴۱ سوره نساء «وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» به دست می آید، مهارت نداشتن در امور یاد شده چه بسا باعث استیلا کافر بر مسلمان شود و باید از آن پرهیز نمود. بر این اساس، مربیان موظف اند به این موارد توجه داشته باشند و ضمن بیان شرایط و آثار تربیتی بر خورداری از مهارت های یاد شده، از متریبان بخواهند تا فراخور استعدادشان یکی از مهارت ها را به دلخواه انتخاب نمایند و تمام

توان خود را در فراگیری آن به کار گیرند تا با برخورداری از دانش و تخصص بتوانند در جامعه مثمر ثمر واقع شوند و از تنگناهای اقتصادی رهایی یابند و زیر سیطره بیگانگان قرار نگیرند.

۱. کشاورزی

امروزه صنعت کشاورزی یکی از مولدترین صنایعی است که نقش کلانی در استقلال، خودکفایی و رونق اقتصادی و رشد و توسعه کشورها دارد، از آن به عنوان کالای استراتژیک یاد می‌شود که در منابع اسلامی نیز به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین الگوهای اقتصادی معرفی گردیده و بدان توجه شایانی شده است (الجبعی العاملی، ۱۴۰۳: ۳: ۲۲۰-۲۲۱)، به طوری که از آن به کیمیای اکبر نام برده‌اند. طبق بیان مفسران آیه «وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱) خداوند با قرار دادن ابزار عمران، آبادانی زمین را به بشر واگذار نموده است تا با تلاش و کوشش خود منابع آن را به دست آورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۹: ۱۵۱)؛ همان‌گونه که امام صادق علیه السلام در مورد اهمیت صنعت کشاورزی می‌فرماید: «الْكَيْمِيَاءُ الْأَكْبَرُ الزَّرَاعَةُ» (کلینی، ۱۳۸۸، ۵: ۲۶۰). در فقه اسلامی راجع به کشاورزی بحث مفصلی به عمل آمده که دو کتاب مهم مزارعه و مساقات به این موضوع اختصاص داده شده است. در فقه بیشتر به جنبه حقوقی و حکمی آن پرداخته می‌شود، برخلاف اقتصاد امروزی که به بعد تولیدی آن توجه می‌گردد.

۲. تجارت

تجارت از دیرباز از پرسودترین و پربارترین حرفه‌ها بوده که بشر برای تأمین نیازهای خود و پیشرفت و رونق اقتصادی جامعه بدان دست زده است تا از این رهگذر بسترهای کار و تولید و مصرف کالا را فراهم آورد. امروزه بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها بعد از تولید، در عرصه تجارت انجام می‌گیرد. توزیع، تجارت و سیاست‌گذاری صحیح و وجود قوانین و مقررات مناسب در این عرصه، کمک شایانی به پیشرفت جوامع می‌کند و در منابع اسلامی نیز بدان تأکید فراوان شده و در فقه نیز کتابی را به آن اختصاص داده‌اند (الجبعی العاملی، ۱۴۰۳: ۳: ۲۲۰-۲۲۱). پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز قبل از مبعوث شدن به رسالت مشغول تجارت بودند. امیر

مؤمنان علیهم السلام در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید: کار طبقاتی همچون سپاهیان، کشاورزان، قضات و عاملان، بدون وجود تجار و بازرگانان به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. آنان با تلاشی که انجام می‌دهند بازارها را برپا می‌دارند و کار مردم را کفایت می‌کنند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: روزی ده جزء دارد که نه جزء آن در تجارت قرار داده شده است (کلینی، ۱۴۱۳: ۵: ۱۴۹). امام صادق علیه السلام با دادن سرمایه به دیگران، آنان را به تجارت تشویق می‌کردند (جوادی آملی، ۱۳۹۲). از این رو، تجارت مایه اقتدار، پیشرفت و رشد اقتصادی جامعه و موجب استقلال سیاسی اقتصادی آن خواهد شد و از این جهت، بسیار مهم و مورد تأکید اسلام است.

فقه اسلامی برای این که روابط اقتصادی در میان افراد، همراه با صداقت و راستی و مبادلات از روی عدالت و رضایت انجام شود و مصالح فردی و اجتماعی رعایت شود، احکام و قوانینی در مورد کسب و تجارت، معاملات و تعهدات مقرر داشته که آموختن آنها برای تجار به اندازه نیاز و ضرورت واجب است تا معاملات صحیح از فاسد باز شناخته شود و از معاملات حرام و ربوی و مضر به جامعه دوری گردد. به پیروی از این مسئله فقها تجارت را از نظر فقهی به پنج نوع تقسیم کرده‌اند:

۱. واجب: مانند تجارتي برای مخارج خود و خانواده واجب النفقه انجام می‌شود یا این که ترک آن اقتصاد جامعه اسلامی را تهدید نماید؛
۲. مستحب: مانند تجارت مفید برای خانواده و جامعه؛
۳. مکروه: مانند صرافی، کفن فروشی و ذبح حیوانات (قصابی)؛
۴. مباح: مانند معاملات که غیر مضر و مورد نیاز جامعه نباشد؛
۵. حرام: مانند معاملات مشروبات الکلی، ربا، آنچه سبب ضعف و سقوط اسلام و مسلمین شود (امام خمینی، ۱۴۰۸: ۱: ۵۰۱ و ۵۳۸).

۳. صنعت

صنعت نیز یکی از کارهای مولدی است که بخشی از نیازهای جامعه را تأمین می‌کند و نمی‌توان نقش آن را در پیشرفت، توسعه و رشد بشر نادیده گرفت. در اهمیت این مسئله همین بس که کشورهای صنعتی امروزه شاهرگ‌ها و نبض‌های اقتصادی دنیا را در دست گرفته و با تسلط بر اراده مردم، برای آن‌ها تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌کنند. اگر به منابع اسلامی دقت شود، اسلام از زمانی که احدی به اهمیت این پدیده در جهان پی نبرده بود، توجه کرده و بر آن تأکید ورزیده است. آیه «وَ عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ» (انبیاء: ۸۰) به این مهم اشاره دارد؛ به گونه‌ای که خداوند خود به حضرت داود علیه السلام صنعت زره‌سازی را آموخت و دستور آموزش زره‌سازی به دیگران به او داد، همان‌گونه که حضرت نوح علیه السلام صنعت کشتی‌سازی را می‌دانست و دستور بر ساخت آن داده شد. باید دقت داشت صنعت از کیفیت و استحکام لازم برخوردار باشد تا در صحنه کارزار موفق و کارا عمل نماید؛ در غیر این صورت مشتری خود را از دست خواهد داد. در فقه اسلامی، برخی از صنایع چون آلات قمار و آلات لهو و لعب حرام‌اند و نمی‌توان آن‌ها را تولید نمود و مورد استفاده قرار داد (نجفی، ۱۳۶۷: ۲۲، ۴۶۶).

با توجه به آنچه گفته شد، مربیان موظف‌اند در چارچوب فقهی به تولید در بخش‌های مختلف همچون کشاورزی، تجارت و صنعت توجه نمایند و به تربیت افرادی بپردازند که بتوانند نیازهای اولیه جامعه مانند مواد غذایی، دفاعی و دارویی را برآورده سازند. تولید و تأمین این نوع کالاها باعث حفظ و ثبات نظام می‌شود و زمینه استقلال جامعه را فراهم می‌آورد و از وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی‌رهایی می‌بخشد. در برخی موارد، الزامی به تولید وجود ندارد ولی تربیت افراد در این بخش‌ها همچون انفاق و خیرات می‌تواند باعث رشد و رفاه بیش‌تر خانواده و جامعه می‌شود. در طرف مقابل، تربیت افراد در برخی بخش‌های تولیدی چون تولید الکل غیرصنعتی مورد سرزنش و یا نهی شریعت الهی واقع شده است و مربیان باید بکوشند از این‌گونه موارد دوری جویند و مرتکب عمل مکروه و یا حرام نشوند.

تربیت اقتصادی در عرصه توزیع

بر اساس منابع فقهی، مواردی همچون انفاق، خمس، زکات، قرض الحسنه و وقف را می‌توان به دست آورد که در تربیت اقتصادی در عرصه توزیع مورد استفاده قرار می‌گیرد. به جز قواعد عام فقهی مانند قاعده «تعاون» و «احسان»، ادله دیگری نیز وجود دارد که فقها به آن‌ها استدلال می‌کنند و وجوب و یا استحباب موارد یادشده را به دست می‌آورند که ضمن اشاره به برخی از آن‌ها، پیامدهای تربیتی‌شان نیز تبیین می‌گردد. اجرای هر یک از این موارد، آثار تربیتی مهمی بر خانواده و جامعه بر جای می‌گذارد و باعث برقراری عدالت و از بین بردن فقر در جامعه می‌شود. مریبان موظف‌اند آن‌ها را به متربیان آموزش دهند و تأثیرات مادی و معنوی آن را به آنان یادآور شوند.

۱. انفاق و خیریه‌ها

مشارکت داوطلبانه جهت تأمین نیازهای عمومی چون نیازهای مصرفی اقشار کم‌درآمد و امور عام‌المنفعه، یکی از راه‌های مقابله با بی‌عدالتی و کارهای نیک از طریق هدیه دادن و بخشش‌های مالی است. انفاق فقر را از بین می‌رود و فاصله طبقاتی را می‌کاهد. مرسوم‌ترین مفهوم انفاق قرآنی و حدیثی، انفاق فی سبیل الله است و صدقه، احسان، مواسات، صلح‌رحم، ایثار، حق معلوم، حق الحصاد، تعاون، تکافل و ... نیز از مصادیق انفاق محسوب می‌شود که در منابع اسلامی و فقهی بدان توجه فراوان شده است؛ به گونه‌ای که آیات و روایات زیادی راجع به این مهم وارد شده‌اند و فقها بدان‌ها استدلال کرده‌اند. آیه «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۴) انفاق را از وظایف عبادالرحمن می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴: ۱۷)؛ بنابراین انفاق در فقه اسلامی اهمیت زیادی دارد که می‌توان با استفاده درست از این ظرفیت بخش قابل توجهی از هزینه عمومی و نیازهای مردمی و خصوصی را تأمین کرد.

۲. خمس

پرداخت خمس (یک پنجم) اموال به عنوان یکی از ضروریات و واجبات اسلام از دیگر راه‌های توزیع درآمد و برقراری عدالت در جامعه می‌باشد که حاکم اسلامی برای زدودن فقر و جلوگیری از انباشت سرمایه بدان مبادرت می‌ورزد. خمس به عنوان یکی از درآمدهای عمومی است که در زمینه‌های معینی مانند غنائم جنگی، گنج‌ها، معادن، درآمد مازاد بر مخارج و... تشریح شده است و هر فرد مسلمان واجد شرایط، ملزم به پرداخت آن می‌باشد (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۲۷۶؛ نجفی، ۱۳۶۷، ۱۶: ۵). در آیات و روایات به مواردی می‌توان اشاره نمود که وجوب خمس را می‌رساند. فقها برای وجوب خمس بیش‌تر به موارد زیر استدلال می‌کنند:

الف) قرآن: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ...» (انفال: ۴۱) بدین مهم اشاره دارد و آن را مهم‌ترین ابزار برای توزیع سرمایه می‌داند (مفید، همان).

ب) روایات: روایات فراوانی نیز بر وجوب خمس و حرمت تصرف در مالی که خمس آن داده نشده وارد شده است. بررسی‌ها نشان از نحوه مدیریت پیامبر اسلام و ائمه دین بر این درآمد دولت حکایت می‌کند.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ قُوتِلَ عَلَيْهِ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَإِنَّ لَنَا خُمُسَهُ وَ لَا يَجِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنَ الْخُمُسِ شَيْئًا حَتَّىٰ يَصِلَ إِلَيْنَا حَقًّا.

همچنین

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارٍ قَالَ: كَتَبَ إِلَيْهِ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام فَأَمَّا الْغَنَائِمُ وَ الْفَوَائِدُ فَهِيَ وَاجِبَةٌ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ عَامٍ قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ... (طوسی، ۱۴۰۷: ۴: ۱۴۱).

۳. زکات

یکی از مسلمات فقهی مسلمانان و ضروریات دین جهت تأمین منابع مالی حکومت اسلامی

و ابزار توزیع سرمایه و برقراری عدالت اقتصادی و ایجاد شرایط برابر برای قشر آسیب پذیر، فریضه زکات (یک‌دهم) است که در اسلام بسیار جایگاه والایی دارد (شیخ طوسی ۱۴۱۷: ۱؛ ۱۹۰؛ شهید اول، ۱۴۱۲: ۲؛ ۲۲۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱؛ ۳۹؛ نجفی، ۱۳۶۷، ۱۵: ۴؛ نراقی، ۱۳۷۵، ۱؛ ۱). در راستای عنایت ویژه اسلام به زدودن فقر از چهره جامعه، با واجب کردن پرداخت زکات از اموال معین با شرایط و نصاب مشخص شده و در زمان خاص، آن را حق فقرا در اموال ثروتمندان قرار داده تا نیازمندی‌های نیازمندان را مرتفع سازد. وجود فقر در جامعه از ناحیه فریضه الهی نیست؛ بلکه به دلیل منع اغنیا است (ابوعبیده، ۱۴۰۸: ۷۰۹). برای وجوب زکات به موارد ذیل استناد کرده‌اند:

الف) آیات متعددی بدان اشاره دارد که بسیاری از فقها آیه «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (مزل: ۲۰) را به وجوب ادای زکات معنا کرده‌اند (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۱: ۱۷). و آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۶۰) موارد مصرف زکات را بیان می‌کند (شیخ مفید، ۱۴۱۰: ق: ۲۳۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ق: ۲۷۶؛ نجفی، ۱۳۶۵، ۱۵: ۶۵؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ۴: ۲۸). «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه: ۱۰۳). به گفته فقها و مفسرین مشهورترین آیه بیان‌کننده وجوب زکات، «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» است. هرچند واژه زکات در آن به کار نرفته، ولی به عقیده آنان مقصود از صدقه در این آیه شریفه زکات است (حسینی بحرانی، ۱۴۱۵: ۲: ۸۳۶ و علامه طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹: ۳۱۷). جمله «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» دستور وجوبی به گرفتن زکات است و دلالت بر وجوب دارد (قرطبی، ۱۳۶۴، ۴: ۲۴۰۵).

ب) روایاتی زیادی در این باب وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمَا قَالَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ... إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسْعُهُمْ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَسْعُهُمْ لَرَادَهُمْ إِنَّهُمْ لَمْ يَأْتُوا مِنْ قَبْلِ فَرِيضَةِ اللَّهِ وَ لَكِنْ أَتُوا مِنْ مَنَعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ حَقَّهُمْ لَا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ

أَدُّوا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳: ۴۹۷).

در روایت فوق واژه «فرض» به کار برده شده که دال بر وجوب است.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ الصَّلَاةَ (همان: ۲۹۸). خدا همانند نماز زکات را نیز واجب کرده است.

طبق الگوی اسلامی، ثروتمندان باید بر اساس دستورات دینی مقدار مشخصی از اموال خود را به فقرا، مساکین، مأموران جمع‌آوری زکات، جلب دل مخالفان، آزادی اسیران، ادای بدهی بدهکاران، هزینه عام‌المنفعه و درراه‌ماندگان، به مدیریت دولت اسلامی پرداخت نمایند تا از این طریق فاصله طبقاتی کاهش یافته و اقتصاد رونق یابد (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۲: ۲۱۴؛ امام خمینی، ۱۴۰۸: ۱: ۳۳۳). زکات کمک می‌کند تا شکاف‌های اقتصادی و فاصله‌های طبقاتی جامعه کم شود و از این طریق، جامعه به شکوفایی اقتصادی دست یابد.

۴. قرض الحسنه

یکی از آموزه‌های اقتصادی اسلام به منظور حمایت از نیازمندان و قشرهای آسیب‌پذیر جامعه، ترغیب و تشویق مسلمانان به اعطای قرض الحسنه است و در فقه اسلامی نیز از آن به‌عنوان تأمین‌کننده نیازهای ضروری فقرا و نیازمندان یاد شده است. امروزه در اقتصاد به خصوص صنعت بانکداری جهت ایجاد تسهیلات بانکی و تأمین مالی، در راستای تأمین مالی طرح‌های عام‌المنفعه، تأمین سرمایه اشتغال اقشار کم‌درآمد، اعطای قرض الحسنه جهت نیازهای ضروری به صورت گسترده از این ابزار استفاده می‌شود و از لحاظ تربیتی، به بسیاری از نیازهای فردی و اجتماعی پاسخ درخور می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که دولت‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات خیریه برای تأمین مالی در عرصه‌های فوق به طراحی اوراق قرض الحسنه پرداخته‌اند (موسویان، ۱۳۸۶: ۲۲۶) و از نظر فقهی نیز مستحب و مورد تأکید آیات و روایات است (توضیح المسائل، مراجع تقلید، ج ۲، احکام سفته). اهمیت قرض الحسنه در تأمین مالی و رونق به اندازه‌ای است که در آیات و روایات فراوانی از مؤمنان خواسته شده تا بخشی از اموال خود را برای کمک به نیازمندان و رفع گرفتاری برادران ایمانی خویش قرض الحسنه بدهند.

جایگاه رفیع این سنت شایسته در برخی از روایات بالاتر از صدقه عنوان شده است، چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «در شب معراج بر در بهشت این نوشته را مشاهده کردم: صدقه به ده برابر و قرض به هجده برابر پاداش داده می شود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۹: ۳۶۸).

تاریخ نشان داده است که مسلمانان با دادن قرض الحسنه مشکلات بسیاری از هموعان را مرتفع ساخته اند. با پیشرفت زمان و گسترش جوامع، رفتار قرض الحسنه نیز توسعه کمی و کیفی یافته به تدریج در کنار قرض های فردی قرض خانوادگی، صنفی، صندوق ها و مؤسسات قرض الحسنه عمومی شکل گرفت که وجوه مازاد بر نیاز افراد خیر را در اختیار نیازمندان قرار می دهند و بدین وسیله مشکلات فراوانی از طبقه پایین و متوسط جامعه را حل می کنند (موسویان، ۱۳۸۶: ۳۴۷).

۵. وقف و انباشت سرمایه

وقف یکی از موضوعاتی است که در اسلام مورد توجه قرار گرفته و در فقه اسلامی فراوان از آن بحث شده است. وقف بیش تر جهت خیرخواهانه دارد و به عنوان یکی از راهبردهای اسلام برای تأمین نیازهای عمومی، به خصوص قشر آسیب پذیر مورد بهره گیری قرار می گیرد، به گونه ای که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و دیگر امامان علیهم السلام بخشی از اموال خود را برای رسیدگی به امور نیازمندان وقف می کردند تا سود آن به مصرف مستمندان برسد (صدوق، ۱۴۱۳: ۴: ۲۴۵؛ طوسی، ۱۳۶۵، ۹: ۲۴۸-۲۴۵؛ مارودی، ۱۴۰۹: ق: ۲۱۷).

وقف، آثار تربیتی مهمی بر جای می گذارد و در انباشت سرمایه انسانی و جلوگیری از تمرکز سرمایه مادی تأثیر زیادی دارد. از دیدگاه اسلام، انباشت سرمایه انسانی ماهر از انباشت سرمایه فیزیکی که هر دو از عوامل رشد اقتصادی جامعه هستند، مهم تر می باشد. اسلام برای این سنت الهی جایگاه والایی قائل است و آن را دارای فضیلت و پاداش فراوان می داند (امام خمینی، ۱۴۰۸: ۲: ۶۲). فقها وقف را به دو دسته عام و خاص تقسیم کرده اند که هر کدام کارکرد خاص خود را دارند و در توسعه اقتصادی و چه بسا تولید نقش فراوانی دارد. ساخت مدرسه،

بیمارستان، راه‌های مواصلاتی، پارک، پل، مسجد، بنگاه تولیدی، تأمین بهداشت و درمان، گسترش علوم و فنون، از بین بردن شکاف اجتماعی و بی‌عدالتی و... از مواردی هستند که بر حسب نیت وقف‌کننده، وقف می‌تواند در آنها نقش ایفا نماید (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۵۴۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۸: ۲: ۶۸). هنگامی که پیامبر اکرم با مهاجران وارد مدینه شدند، تقریباً از انباشت سرمایه فیزیکی خبری نبود؛ اما اقدامات پیامبر اکرم موجب پرورش این سرمایه و به فعلیت رسیدن بازدهی آن شد. این سرمایه انسانی در بخش خصوصی و بازار به صورت کار ماهر جلوه‌گر شد که در ارتقای سرمایه انسانی مسلمانان، بیت‌المال به خصوص اوقاف به‌تدریج و با ثروتمند شدن مسلمانان نقش خود را ایفا کرد (قرضاوی، ۱۴۰۱: ۲: ۷۴۷). اکثر مورخان و محققان به نقش موقوفات در توسعه علم و دانش اشاره کرده‌اند: «بازار دانش و پیوستگی سنت تعلیم در دانش‌ها و دیگر صنایع ضروری و کمالی در جامعه اسلامی به سبب فراوانی عمران و ترقی تمدن و کمک کردن به طالبان دانش از راه وظایف و مقرری‌های اوقاف موجبات رفاه طالبان علم فراهم می‌آید» (امیدبانی، ۱۳۸۰: ۶۰).

وقف می‌تواند به برابری نهایی و نزدیک شدن طبقات به یکدیگر در برخورداری یاری رساننده و موجب افزایش توازن اجتماعی و کاهش نابرابری نهایی و حذف فقر مطلق از طریق ایجاد اشتغال، تسهیلات، تأمین مسکن، ... شود (موسوی خمینی، ۱۳۵۷، ۳: ۱۲۲؛ فلاح، ۱۳۹۱: ۸۳-۷۹). یکی از راه‌های برقراری عدالت، پرداخت دستمزدها یا پرداخت حقوق و درآمدهای کاری است. در منابع اسلامی وارد شده است که حقوق و دستمزد کارکنان را قبل از آن که عرقش خشک شود باید پرداخت نمود. از دیگر راه‌های توزیع اعتدالی، توجه به فقرا و انفاق به محرومان بی‌سرپرست و بی‌خانمان است که به دلایل اجتماعی و طبیعی درآمد خود را از دست داده‌اند و در الگوی تربیتی اسلامی شدیداً با این پدیده مبارزه می‌شود. در فقه اسلامی آمده است که برای رسیدگی به امور فوق می‌توان از وقف و منافع آن بهره برد (موسوی خمینی، ۱۳۵۷، ۳: ۱۲۲) و قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (ذاریات: ۱۹). در نهایت وقف عدالت اقتصادی را گسترش داده و با حمایت از

نیازمندان، فاصله طبقاتی را از طریق عدم تمرکز ثروت و سرمایه در دست عده خاص و ثروتمندان، کاهش می‌دهد. «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَى لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷) تا از طریق فراهم نمودن زمینه اشتغال افراد و ارائه خدمات و تسهیلات بانکی، بستر رشد و رونق اقتصادی در بدنه اصلی جامعه مهیا شود. مطالعات نشان می‌دهد کارایی وقف در ایجاد تحرک فضای کسب و کار به دلیل انگیزه خاص حاکم بر آن، به مراتب بیشتر از سایر بخش‌های اقتصادی است (طغیانی و درخشان، ۱۳: ۳۶). امروزه به اهمیت و تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر متغیرهای اقتصادی توجه زیادی شده است. موقوفات یکی از بزرگ‌ترین بخش شبکه‌های اجتماعی است که سرمایه اجتماعی با تعاملات در شبکه‌های اجتماعی افقی ایجاد شده و همواره رو به گسترش می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت بخش عظیمی از سرمایه اجتماعی توسط شبکه‌های اجتماعی ایجاد شده در مؤسسات غیرانتفاعی وقف شکل می‌گیرد و نگاه‌های ارزشی و اهداف عالی انسانی به مسئله یاری می‌رساند (همان: ۳۶). در ضمن، عنصر کار داوطلبانه در مؤسسات وقف، سرمایه اجتماعی را تقویت نموده و اهمیت دوچندان خواهد داد.

تربیت اقتصادی در عرصه مصرف

مصرف صحیح در اسلام مبتنی بر اصولی است که بخشی از آنها مبنای فقهی دارد. الگوی مصرف در اقتصاد اسلامی با دیگر الگوها تفاوت‌های عمده دارد. این الگو انسان‌ها را به مصرف بهینه و دوری از افراط و تفریط و مطابق معیارهای اسلامی (به قدر کفاف) فرامی‌خواند. برای دست‌یابی به این الگو باید به متون اصیل اسلامی و فقهی مراجعه نموده و با توجه به آن، الگوهایی را درخور درک و فهم متربی استخراج نمود. بدیهی است که نیازها مهم‌ترین انگیزه چرخه اقتصادی در عرصه تولید، توزیع و مصرف است. وقتی نیازی احساس نشود، هیچ اقدامی جهت تولید و عرضه کالا و خدمات در عرصه اقتصادی صورت نخواهد

گرفت؛ زیرا نیاز، تقاضای رفع ایجاد می‌کند و تقاضا منجر به تولید و عرضه و توزیع می‌شود. بنابراین در حوزه اقتصاد، همان‌گونه که مصرف، هدف نهایی تولید و توزیع به شمار می‌رود، نیازمندی غایت مصرف محسوب می‌گردد و نوع و اندازه مصرف در جامعه بستگی به چگونگی تخصیص منابع جهت تولید و نحوه توزیع دارد. در اسلام انسان دارای دو نوع نیازهای مادی و روحی است؛ میزان مصرف او نیز به این دو ویژگی اختصاص می‌یابد. ارضای نیازهای مادی در حد معقول، آرامش خاطر و بستر مطلوب برای پایبندی به اصول اخلاقی و معنوی را نیز ایجاد می‌کند (قحف، ۱۳۷۶: ۲۸).

بر اساس منابع اسلامی (آیات و روایات)، نیازهای پایه را خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت تشکیل می‌دهند که در فقه اسلامی در باب تأمین نفقه و حضانت در حوزه فردی و آموزش و آموختن برخی از حرفه‌ها چون خیاطی، طبابت و تجارت در محدوده اجتماعی بحث شده و تأمین این نیازمندی‌ها ضرورت ارزشمند قلمداد می‌گردد. موارد فوق به جز تأمین نفقه زوجه و حضانت اولاد که همواره واجب‌اند، بسته به افراد و شرایط آنها متفاوت‌اند؛ بدین معنا که در پاره‌ای موارد، تأمین نفقه و حضانت، واجب و در برهه‌ای از شرایط، مستحب و در برخی موارد مباح خواهد بود تا نفس محترمه حفظ گردد.

به تصریح فقها واجب است شخص، هزینه مصرف (نفقه) همسر، والدین و فرزندان را بپردازد و آن را اجماعی می‌دانند (نجفی، ۱۳۶۷: ۳۱، ۳۰۳). برای تأمین نیازهای مصرفی فقیر نیز زکات، خمس، انفاق و کمک‌های خیرخواهانه مدنظر قرار دارد (محقق حلی، ۱۳۷۴: ۲: ۵۷۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۸: ۴۵۷). دلیل این مهم، به جز قواعد عام فقهی که در بخش تولید گفته شد، آیات و احادیث معصومین علیهم‌السلام است که به روایتی از امام صادق علیه‌السلام بسنده می‌شود:

حَمْسَةٌ لَا يَعْطُونَ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئًا: الْأَبُ، وَالْأُمُّ، وَالْوَلَدُ، وَالْمَمْلُوكُ، وَالْمَرْأَةُ، وَذَلِكَ أَنَّهُمْ عِيَالُهُ لَا زِمُونَ لَهُ؛ پنج دسته هیچ مقدار از زکات واجب داده نمی‌شود: پدر، مادر، فرزند، غلام و همسر، زیرا اینان نان‌خور او هستند و هزینه آنان بر عهده اوست (کلینی، ۱۴۱۳ ق: ۱۵۸۷).

البته، در پرداخت‌کننده هزینه، توان بر این کار شرط است (محقق حلی، ۱۳۷۴: ۲، ۳۵۳).

قابل یادآوری است که وجوب نفقه والدین و اولاد مشروط بر فقر آنها بوده (همان: ۲۹۶) و حد آن کفایت و رفع نیازمندی‌ها است (همان: ۲۹۳). نفقه دیگر اقارب واجب نیست؛ ولی برطرف نمودن نیازهای معیشتی این گروه از بستگان و کمک مالی به آنان مستحب و مورد تأکید پیشوایان دین است. چنانچه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرکس عهده‌دار هزینه دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه و یا دو خاله خویش گردد آن به اذن خدا مانع آتش دوزخ به او می‌شود» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳: ۴۸۲).

از بعد تربیتی، خوراک، مسکن، پوشاک، جزو نیازهای اولیه زندگی بشر است که تأمین آن نیازمند کار و تلاش فراوان بوده و میزان بهره‌گیری از آنها از نظر فقه اسلامی حد کفاف مصرف‌کننده می‌باشد که کمتر از آن اقتار و بیش از آن به اسراف منتهی می‌شود و هر سه مورد (کفاف، اسراف و اقتار) نیازمند آموزش و آشنا ساختن متربی با آموزه‌های اسلامی است تا احکام اقتصادی اسلام را فرا گرفته و در زندگی شخصی و اجتماعی خود نهادینه ساخته و آن را زیر پا نگذارد. در اسلام تنها بر رفع نیازهای ضروری و احتیاجات اولیه زندگی تأکید نشده؛ بلکه تأمین رفاه و فراهم آوردن امکانات، امنیت (نور: ۵۵؛ قریش: ۴)، نیاز به احترام (اسراء: ۷۰؛ تین: ۴)، زیبایی‌خواهی (ملک: ۵)، رفاه و آسایش (اعراف: ۳۲). برای زندگی بهتر و راحت‌تر نیز مورد توجه قرار گرفته است. سطوح مصرفی را اضطرار، عسر و حرج، مسکنت، فقر، سطح عمومی، توسعه و اسراف تشکیل می‌دهد که دو سطح عمومی و توسعه و رفاه مطلوب بوده و سطوح دیگر باید به این سطوح برگردانده شوند. سطح عمومی که در منابع اسلامی از آن به معروف، کفایت، اقتصاد، حد وسط یاد می‌شود، کف مطلوبیت را نشان می‌دهد و افراد لازم است جهت رسیدن به این حد تلاش نمایند تا رفاه و آسایش زندگی در حد متعارف تأمین شود و عزت و شرافتشان حفظ گردد. فقها در بحث «شأن» به این موضوع پرداخته‌اند. لازم است تلاش به‌گونه‌ای باشد که مصارف به سطح توسعه و رفاه بیشتر برسد و اسراف مرتکب نشود (شهید اول، ۱۴۱۲: ۲: ۲۲۵).

در اقتصاد، مصرف آخرین و مهم‌ترین حلقه چرخه اقتصادی را تشکیل می‌دهد؛ به‌گونه‌ای

که اگر این بعد نباشد، چه بسا تولید و توزیع بی‌معنا بوده و انگیزه برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های فوق و ایجاد بنگاه‌های تولیدی اقتصادی و خدماتی به وجود نیاید. در اقتصاد اسلامی نیز به این مهم توجه ویژه‌ای شده است، البته به نه صورت باز و نامحدود؛ بلکه در الگوی اسلامی برای مصارف کالا و خدمات، شرایطی مشخص گردیده که باید رعایت شوند. در فقه اسلامی به حلیت و پاکی در عرصه تولید، توزیع و مصرف عنایت ویژه‌ای شده که مسلمانان را در رسیدن به رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی یاری می‌رساند. از نظر فقهی کسب مال حلال واجب و استفاده از مال دیگران بدون اجازه آنان حرام بوده و شرعاً جایز نیست.

افزون بر آنچه در مورد ابعاد تربیتی مصرف گفته شد، باید خاطرنشان کرد که حد مطلوب بهره‌مندی و استفاده از نعمت‌های الهی آن است که همراه با رعایت اعتدال و به قدر کفاف باشد. اهمیت اعتدال بدان جهت است که نیازهای انسان متنوع و نامحدود است. با توجه به این‌که بیش‌تر امکانات و منابع مادی با محدودیت مواجه‌اند، نمی‌توان تمام نیازهای بشر را به صورت نامحدود برآورده ساخت و زیاده‌روی عده خاصی در مصرف، باعث محرومیت دیگران از نعمت‌های الهی خواهد شد. همچنین، نشاط و سلامت انسان و امور معنوی نیازمند مصرف معتدلانه است (ایروانی، ۱۳۹۳: ۳۵۱). از این‌رو، در آموزه‌های اسلامی به اعتدال توجه ویژه‌ای شده است. میان‌روی در مصرف که در منابع اسلامی از آن به «قصد»، «اقتصاد»، «قوام» و «وسط» تعبیر شده، حد وسطی است که اسراف و تقتیر (سخت‌گیری) در آن نباشد و در قرآن بدان سفارش شده است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ یَسْرِفُوا وَ لَمْ یَقْتُرُوا وَ كَانَ بَیْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷). در روایتی از امام رضا علیه السلام درباره نحوه تأمین نیازهای خانواده آمده است: «این امر بین دو کار ناپسند قرار دارد. آیا نمی‌دانی که خداوند زیاده‌روی و سخت‌گیری را ناپسند دانسته و می‌فرماید: وَ الَّذِینَ إِذَا أَنْفَقُوا... (صدوق، ۱۴۱۳ ق: ۵۴).

در روایتی از امام باقر علیه السلام میان‌روی در حالت بی‌نیازی و نیازمندی یکی از عوامل نجات انسان شمرده شده است (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲: ۸۲). حضرت علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«هنگامی که خداوند متعال خیر و نیکی را برای بنده‌ای مقدر نماید، اقتصاد و میانه‌روی در زندگی را به او الهام می‌کند» (آمدی، ۱۳۹۵: ۱۷۵). همچنین، از امام صادق علیه السلام روایت شده که می‌فرماید:

«وَلَكِنَّ الْمَالَ مَالُ اللَّهِ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَدَائِعَ وَجَوَّزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْداً وَيَشْرَبُوا قَصْداً وَيَلْبَسُوا قَصْداً وَيَنْكِحُوا قَصْداً يُرْكَبُوا قَصْداً وَيَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ اما مال از آن خداوند است که آن را به طور امانت نزد مردم نهاده است و به آنان اجازه داد تا با میانه‌روی بخورند و بیاشامند و در حد میانه بپوشند، مرکبی در حد متوسط داشته باشند و با رعایت میانه‌روی ازدواج نمایند و مازاد آن را به فقیران مؤمن باز گردانند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۸: ۳۶۶).

اهمیت اعتدال تا بدان جاست که حتی در انفاق در راه خدا نیز باید رعایت شود: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُوماً مَحْسُوراً» (اسراء: ۲۹). امام حسن عسکری علیه السلام نیز می‌فرماید: «سخاوت اندازه‌ای دارد که فراتر از آن اسراف است و میانه‌روی حدی دارد که فروتر از آن خساست است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۶: ۴۰۷).

نتیجه

تربیت ساحت‌های گوناگونی دارد که تربیت اقتصادی یکی از ساحت‌های مهم آن به شمار می‌رود. تربیت اقتصادی یکی از مسائل مهم آموزش و پرورش به شمار می‌رود و برای سلامت اقتصاد ملی هر جامعه‌ای حیاتی است. بررسی و مطالعه تربیت اقتصادی در نظام آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی منسجم و اقدامات نظام‌مندی برای این عرصه وجود دارد. هدف اساسی از این نوع آموزش‌ها آشنا ساختن فراگیران با مفاهیم اقتصادی، کسب مهارت تفکر اقتصادی و بهره‌مندی از یک منطق فکری است تا وی بتواند به تحلیل شرایط مختلف اقتصادی بپردازد و در تصمیم‌گیری‌ها بهترین‌ها را برگزیند.

تربیت اقتصادی مبتنی بر مبانی فقهی نیز می‌تواند به رشد و سالم‌سازی اقتصادی یاری رساند و گسترش عدالت اجتماعی و برخورداری عموم مردم از رفاه اقتصادی را در پی داشته

باشد. بر اساس مبانی فقهی، تربیت اقتصادی عبارت است از ایجاد آمادگی‌های لازم در مرتبه‌ی به‌نحوی که ضمن شناختن استعداد اقتصادی خود بتواند آن را به بهترین وجه شکوفا سازد و از منابع موجود به نحو ممکن بهره‌برداری نماید و در راه تولید، توزیع و مصرف، شریعت الهی را در نظر داشته باشد و همه این فعالیت‌ها را در جهت قرب به خدا و کسب رضای او به انجام رساند. تربیت اقتصادی مطابق با مبانی فقهی اسلام از ویژگی‌های متمایزی برخوردار است. در اسلام تولید و معامله هر نوع کالا و خدماتی مجاز نیست. در منابع فقهی به تلاش جهت کسب حلال و پرهیز از معامله و کسب حرام تأکید فراوان شده است. به‌طور کلی، کالاها و خدمات در عرصه تولید، توزیع و مصرف به دو دسته مجاز (واجب، مستحب و مباح) و غیرمجاز (حرام و مکروه) تقسیم می‌شوند که در تربیت اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد.

گاهی تولید کالا، خدمات و مصرف در جایی رخ می‌دهد که اساس زندگی بشر و جامعه بدان بستگی دارد و ناگزیر باید تولید، خدمت‌رسانی و مصرف انجام شود؛ در غیر این صورت، نظم جامعه به هم می‌خورد و جامعه از مسیر متعارف و عادی خارج می‌شود. گاهی نیز تولید کالا، خدمات و مصرف، به دلیل پاره‌ای از مسائل همچون انفاق، وقف، خیرات و هر نوع فعالیت‌های اقتصادی مفید برای خانواده و جامعه، برتری دارد و مستحب است. همچنین، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی مباح می‌باشد و تولید کالا، خدمات و مصارف منع شرعی ندارد. در برابر تمامی انواع فعالیت‌های اقتصادی مجاز یادشده، تولید، توزیع و مصرف برخی کالاها مجاز نیستند. پاره‌ای از کالاها، خدمات و مصارف چون الکل، شراب، معاملات ربوی، فرآورده‌های گوشتی غیر حلال، احتکار، تجارتی که از روی رضایت طرفین نباشد، کم‌فروشی، رفتار اقتصادی که سبب سلطه و استیلا بر غیرمسلمان بر فرد و جامعه اسلامی شود، جایز نیست و حرام است. می‌توان گفت که هر نوع معامله و رفتار اقتصادی ضرری در فقه اسلامی باطل است و جواز شرعی ندارد. البته، گاهی در تولید و توزیع و مصرف کالا منع قوی وجود ندارد و می‌توان اقدام نمود ولی اگر انجام نشود بهتر است و انجام

آن کراهت دارد.

بنابراین در جامعه اسلامی ضروری است تا تربیت اقتصادی و رفتار اقتصادی متناسب با نیازها، فرهنگ، شرایط حاکم بر آن باشد تا با الهام از آن، زمینه و بستر تربیت صحیح یادگیرندگان هموار گردد و با برنامه‌ریزی دقیق، فعالیت‌های اقتصادی آنان در عرصه تولید، توزیع و مصرف نهادینه شود. در تربیت اقتصادی باید در چارچوب تعیین‌شده در منابع فقهی حرکت کرد تا در پرتو آن بتوان به رشد و توسعه اقتصادی دست یافته و به‌عنوان الگوی کارساز، مؤثر و برتر در اقتصاد اسلامی و جهانی به‌عنوان اقتصاد رقیب سالم و مطلوب در کنار دیگر مکاتب اقتصادی معرفی شود. تربیت اقتصادی مبتنی بر مبانی فقهی همواره بر محورهای توحید و خدامحوری، انگیزه الهی، پرهیز از مصرف‌گرایی، میانه‌روی در رفتار و رعایت حقوق دیگران دور می‌زند و موجب تمدن‌سازی، رشد، توسعه سیاسی و اقتصادی جامعه می‌شود و بی‌توجهی به این معیار، سبب دوری از رحمت الهی، عقب‌ماندگی، رکود اقتصادی، کند شدن روند توسعه و تکامل جامعه خواهد شد. در این میان، فقه اسلامی نقش بی‌بدیلی در نهادینه کردن تربیت اقتصادی دارد.

پی‌نوشت

۱. مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ. مَنْ اِكْتَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ جِلِّهِ كَانَ رَادَّهُ إِلَى النَّارِ
(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۳: ۳۲۶)؛ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ أَنْ يَدْخُلَهَا جَسَدٌ غُدِّيَ بِحَرَامٍ (أبي فراس، ۱: ۱۴۱۰: ۵۷).

کتابنامه

- قرآن کریم.
نهج البلاغة
- آصفی، محمدمهدی، *ملکيه الارض و الثروات الطبيعية*، مؤسسة النشر الاسلامی، الاولى، قم، ۱۴۱۳ق.
- آمدی، عبدالواحد، *غررالحکم و دررالکلم*، مرکز البحوث الاسلامیة، قم، ۱۳۹۵.
- _____، *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، اول، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۹۳ ش.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، *شرح نهج البلاغة*، مکتبة آية الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ابن أبی فراس، مسعود بن عیسی، *مجموعه ورام*، مکتبة فقیه، اول، ۱۴۱۰.
- ابن القيم الجوزیه، شمس الدین، *تحفه الودود باحكام المولود*، بعناية بسام عبدالوهاب الجابی، بیروت، دارالبشائر الاسلامیه، ۱۴۰۹ ههق.
- ابن سعید الحلّی، یحیی، *الجامع الشرائع*، مؤسسة السيد الشهداء العلمیة، قم، ۱۴۰۵ق.
- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، [بی جا]، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- أبو عبید، قاسم بن سلام، *الاموال*، دارالفکر بیروت، ۱۴۰۸ق.
- انصاری، ابراهیم، *احیاء الموات* (تقریرات شهید صدر)، [بی جا]، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۳ق.
- (شیخ) انصاری، مرتضی، *المکاسب*، الاولى، نشر الهادی، قم، ۱۳۷۸ ش.
- ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، *مجله تخصصی الهیات و حقوق*، ش ۱۴، ۱۳۸۳.
- ایمانی، محسن، تربیت اقتصادی در راستای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، *بیوند*، ش ۳۹۰ و ۳۹۱، ۱۳۹۱.
- بهشتی، محمد، *مبانی تربیت از دیدگاه قرآن*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.

- الجبعی العاملی، زین الدین بن علی، *الروضه البهیه فی شرح اللعنه الدمشقیة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- جدیری، محمدحسن، *تربیت اقتصادی کودکان از دیدگاه اسلام*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
- جوادی آملی، عبدالله، *مفاتیح الحیاة*، تهران، اسراء، ۱۳۹۱.
- جونز، هایول، *رشد اقتصادی (نظریه ها الگوها و واقعیت)*، ترجمه صالح لطفی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
- حاجی، جعفر عباس، *مکتب اقتصادی اسلام*، ترجمه سیدکاظم رجایی رامشه، م. کرمی، تهران، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
- حسینی شیرازی، سید محمد، *الفقه*، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۱۰.
- حسینی واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار مکتبه الحیاة، [بی تا].
- حسینی، سید رضا، *الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اول، قم، ۱۳۹۴.
- خلیلی تیرتاشی، نصرالله، *مبانی علم اقتصاد*، قم، دارالهدی، اول، ۱۳۸۴.
- دادگر، یدالله و رحمانی، تیمور، *مبانی و اصول علم اقتصاد*، قم، بوستان کتاب، هشتم، ۱۳۸۶.
- راوندی، سعید بن عبدالله، *فقه القرآن*، اول، بیروت، دارالتراث، ۱۴۱۰ق.
- رفیعی محمدی، ناصر، *سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن*، [بی جا]، [بی نا]، ۱۳۷۸.
- سبحانی نژاد، مهدی، علین، حمید، ابعاد تربیت دینی از دیدگاه صحیفه سجادیه، *مجله مشکوة*، شماره ۹۱، ۱۳۸۵.
- سیف، علی اکبر، *روان شناسی پرورشی نوین*، تهران، نشر روان، هفتم، ۱۳۸۸.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الافهام*، قم، مؤسسه معارف اسلامی، اول، ۱۴۱۳ق.

- صانعی، سید مهدی، *پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی*، مشهد، سناباد، ۱۳۸۰ ش.
- صدر، محمدباقر، *اقتصادنا*، [بی جا]، مجمع علمی للشهید صدر، الثاني، ۱۴۰۸ ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____، *خصال*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
- طباطبایی، سید محمدکاظم یزدی، *العروة الوثقی*، قم، اسماعیلیان، الثانية، ۱۴۱۲ ق.
- طغیانی، مهدی، زاهدی وفا، محمدهادی، امکان بهره‌گیری از آثار تمدن اسلامی در طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی فرهنگ اقتصادی، س ۲، ش ۲، *معرفت اقتصادی*، پیاپی ششم.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، *الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد*، قم، خیام، ۱۴۰۰ ق.
- _____، *المبسوطه فی فقه الامامیه*، تهران، المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفریه، سوم، ۱۳۸۷ ق.
- _____، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- _____، *الخلاف*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- طهماسبی سروستانی، رابعه، *تربیت اقتصادی در نهج البلاغه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ۱۳۷۹.
- عربی، سید هادی، علوی، سید اسحاق، *کلیات علم اقتصاد*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
- عزتی، مرتضی، *اصلاح الگوی مصرف*، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، اول، ۱۳۸۸.
- علم الهدی، جمیله، *نظریه اسلامی تعلیم و تربیت*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
- علوی، سید انور، *وظایف والدین در تربیت اقتصادی فرزندان*، رساله دکتری، مجتمع آموزش عالی فقه.
- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر، [بی تا].
- فاضل هندی، محمدبن حسن، *کشف اللثام*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تحقیق مهدی مخزومی، [بی جا]، مؤسسه الهجره، ۱۴۰۹ ق.
- فلاح، ابراهیم، نقش وقف در فقرزدایی از جامعه، *وقف میراث جاویدان*، ش ۷۸-۷۷، ۱۳۹۱.

- القرضاوی، یوسف، *فقه الزکاه*، بیروت، مؤسسة الرسالة، السادسة، ۱۴۰۱ق.
- قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله، *فقه القرآن*، قم، مکتبه آية الله المرعشي النجفی، دوم، ۱۴۰۵ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
- گلپایگانی، محمدرضا، *مجمع المسائل*، قم، دار القرآن، ۱۴۱۴ق.
- مارودی، علی بن محمد، *احکام السلطانیه*، کویت، [بی‌نا]، ۱۴۰۹ق.
- متقی هندی، علاء‌الدین متقی بن حسام‌الدین، *کنز العمال فی سنن و الاقوال والافعال*، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ق.
- متوسلی و شعبانی، *فصلنامه پژوهشی*، دانشگاه امام صادق، شماره ۱۳ و ۱۴، مجلسی، محمداقبر، *بحار الانوار*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴.
- مفید، ابی‌عبدالله محمد بن نعمان الحارثی، *المقنعه*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
- مکارم شیراز، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- منتظری، حسین علی، *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه*، قم، دارالفکر، ۱۴۱۱ق.
- موسوی خمینی، روح‌الله، *تحریر الوسیله*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- موسوی خمینی، روح‌الله، *کتاب البیع*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۸.
- موسویان، عباس، *انزراهی مالی اسلامی*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، ۱۳۸۶.
- موسی‌زاده، زهره و صنعتی، فاطمه، تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی، *تربیت اسلامی*، ش ۲۴، ۱۳۹۶.
- النجفی محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- نراقی، احمد، *عوائد الایام*، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول، [بی‌تا].
- الهی قمشه‌ای، مهدی، *ترجمه قرآن*، قم، انتشارات فاطمه الزهرا، ۱۳۸۰.
- Kaminski, H. *Economic education in secondary school*, Neuwied: Luchterhand, 1996.